

## ویژگی‌های فهم متعارف از وضعیت سیاسی - اجتماعی میهن ما در دوسال پسین درونمایه اسلام و آنچه اسلام برای آن ظهور کرد، در کشور ما مفقود می‌باشد نحوه بازی قدرت‌های منطقه و فرامنطقه با کارت "طالب"‌ها و پیامدهای آن

تراکم آلام اجتماعی و توهم انتظارتأمین حقوق بشر توسط "طالب"‌ها در کشور  
خلق هویت جعلی بمتابۀ مشکلات "طالب"‌ها و پاکستان در امتداد دوده‌ه پسین  
ترس و وحشت حاکم بر جامعه و فقر فرآگیر و در حال گسترش در کشور  
معامله‌های پیچیده و پنهان در عرصه حکومتداری در کشور

شرایط و اوضاع و احوال جامعه مستعد تغییرات از عمده مسایلی بشمار می‌آید که بایستی مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. تکوین تغییرات کیفی و بنیادی بگونه ایده آل آن در مکان و زمانی امکان موفقیت خود اهد داشت که در آن گروه‌های اجتماعی از سیستم سیاسی حاکم جدا شده و در مقابل آن ایستادگی نمایند. چنین جامعه‌ای با نوعی ازدوآلیسم قدرت مواجه می‌گردد. در ابتدای امر، مشروعیت و حقانیت قدرت سیاسی مورد سؤال قرار می‌گیرد و آنگاه قدرت سیاسی بدنبال یأس و ناامیدی شهروندان از آن سیستم تدریجاً دچار عجز و درماندگی می‌شوند. از جانب دیگر، نیروهای اجتماعی کاممینان و قدرت کافی به به توانایی خود پیدا نموده و از سیستم سیاسی رویگردان شده، در مقابل نظام حاکم قرار گرفته و بتدریج شکاف میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی بحدی می‌رسد که دامنه چنان وضعی در جامعه غیر قابل تحمل می‌شود. بسیاری از این‌ها چنین می‌پندارند و حتا ادعا می‌ورزند که بگمان اغلب این تصور وجود دارد که تحولاتی بمنظور ایجاد تغییرات گسترده‌ای در جامعه بروزمی‌کنند. اما در واقع، اینگونه تحولات هستند که زمینه‌ساز بروز و تکوین تغییراتی در جامعه می‌گردد. تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه و واقعیت‌های محیطی آن با هم سازگار باشند، جامعه از تکوین تحولات بنیادی مصون است و زمانی که جامعه در حال تعادل قرار دارد، بگونه مرتب تأثیراتی از اعضای خود واز خارج می‌پذیرد و مجموعه ایندو، جامعه را به هماهنگ ساختن نحوه تقسیم کار با ارزش‌های خود وادار می‌سازد. بنابراین، تعارض موجود میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی، منبع اصلی بروز تعارضات می‌باشد. نباید فراموش نمود که قدرت سیاسی از روال عادی و معمول رابطه میان فرماندهان و فرمانبران می‌باشد.

با در نظر داشت چگونگی وضعیت عمومی شرایط کشور عزیز ما افغانستان، بویژه در امتداد اندی بیشتر از دوسال و نیم پس از بقدرت رسیدن "امارت اسلامی افغانستان"، "طالب"‌ها بمفهوم عام کلمه و رهبران آنها بمفهوم اخص کلمه، در امر برآورده ساختن انتظارات شهروندان کشور کوتاه آمده و آنطوری که انتظار برده می‌شد، عدم کارآیی شان را در انجام برخی از مسایل مطرح عملن با ثبات رسانیدند. آنها خویش را بمتابۀ نیروهای رهاییبخش کشور از اشغال خارجی پنداشته و با اطمینان، خویش را مستحق پیروزی معرفی نموده و قدرت در کشور را حق طبیعی شان محسوب می‌نمایند. برخی از دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور عزیز ما، در مورد اینکه آیا "طالب"‌ها قادر به حفظ قدرت در طولانی مدت می‌باشند و یا نه، اظهار نظرهایی بعمل آورده اند. در آستانه پس از رویکار آمدن دوباره "طالب"‌ها، با وجود تنوع نظریات کارشناسان در مورد نظام در حال شکل‌گیری توسط "طالب"‌ها، بویژه درباره بحث ساختاری و بافت متناقض، مطرح بحث قرار گرفت: یکی اینکه ادعا گردید که "طالب"‌ها کاملن متفاوت از قبل بوده، گویا اینکه از دشت و دامان و از کوهپایه‌های کشور فرود آمده، وارد اجتماع افغانی شده و پس از این، طرز نوع عملکردهایشان را با واقعیت‌های عینی جامعه افغانی وفق داده و همگام با جامعه جهانی در تأمین امنیت و حفظ ثبات در کشور همت می‌گمارند، زیرا آنها قدرت می‌خواهند نه انزوا، یا اینکه ادعا می‌گردید که آنها متوجه اشتباهات و عملکردهای منفی دور نخست حاکمیت شان در کشور شده و بیشتر از این، از انجام عملکردهای قبلی احتراز خواهند جست. بنابراین، باین نتیجه رسیدند که "طالب"‌ها بمنظور تعامل با شرکای خارجی، خواسته‌های آنها را در نظر خواهند گرفت، این یکی. رویکرد دیگر بر این بنیاد مبتنی بود که اگر آنها متحول گردیده اند، پس از ۲۰ سال ائتلاف با بین الملل جهادی بمنظور کسب قدرت و حفظ آن می‌باشند و نه از سرگیری حاکمیت قبلی شان در کشور. در برخی کشورها مانند هند یا تاجیکستان، دیدگاه‌های شکاکانه و محتاطانه تری، یعنی رویکرد دومی حاکم بود. کشور ازبکستان، بیشتر بر رویکرد

اولی تأکید بعمل می آورد.

در کشورهای مختلف، اشخاص و افرادی سراغ می شدند که می خواستند ویا لازم می پنداشتند تا با "طالب" ها وارد تعاملاتی گردند. آنها آنده از افراد و اشخاصی بودند که رویکرد نخست را برگزیدند. در پایان دهه ۱۳۹۹ خورشیدی، تقریباً همه بازیکنان، کانال های تماس و تأمین ارتباط با "طالب" ها را ایجاد نموده بودند. زمانی کآنها با دولت کشور در جنگ بوده و در حال ریختن هیزم بآتش درگیری های مسلحانه بودند، مذاکراتی بعمل آمده و وارد تعاملاتی با آنها گردیدند. پس دلیل قطع ارتباط آنها، با جامعه جهانی بویژه در زمان رسیدن بقدرت در چه نهفته می باشد؟ در این مورد بایست خاطر نشان گردد که بازیکنان علاقمند به درگیری های مسلحانه بیکدیگر نگاه کرده و با تفهیم واقعیتها، پرسشی را مطرح نمودند کآیا کسی ویا گروهی جرأت می نماید که بگونه چشمگیری با افزایش تأثیرگذاری و گسترش ساحة نفوذ شان در کشور همت گمارند؟

اما با اینهمه، تمایلی بمنظور تحت مراقبت قراردادان و تحت نظارت گرفتن "طالب" ها اصلن مطرح نبود، بلکه میل به جلوگیری از انجام چنین اقدامی توسط شخص و یا اشخاص دیگری مطرح بحث قرار گرفت. در وضعیت اینچنینی، در عرصه بین المللی این مسأله شکل گرفت که "طالب" عا باید توانایی شان را بمنظور داشتن یک دولت مسؤل عملن اثبات رسانند. این معمولن بمعنای عدم موجودیت نیات تهاجمی و تعرضی در قبال سایر کشورها و عدم نقض حقوق بشر پنداشته میشد. مسأله ایجاد و پایه گذاری "دولت فراگیر" بمثابة مرکزی ترین معضل در کشور مبدل گردیده است. در امتداد دو سال پسین، "طالب" ها بگونه کلی بانظارات شهروندان کشور پاسخ نگفته و در عمل بر پیگیری اصول و موازین مربوط بخویش پا فشرده و خود را بمثابة نیروهای رهایی بخش کشور از اشغال خارجی می پندارند. آنها خویش را مستحق پیروزی شمرده واصل فرمانروایی در جامعه و کشور را بدون موجودیت قانون اساسی، بدون بر گزاری انتخابات و بدون پایه گذاری و تشکیل "دولت فراگیر"، را تنها و صرف بخویش اختصاص داده و تصرف بلا منازع قدرت در کشور را حق مسلم شان می پندارند، آنها حق "طالب" ها را در مورد حاکمیت بر کشور، ناشی از توانا یی شان در غضب قدرت و حفظ آن محسوب می نمایند. قدرت حاکمان در یک کشور، در ابتدای امر و آغاز کار، از همان "اصل قدرت" و نگهداشتن آن ناشی می گردد. رژیم و حاکمیت متمایل و طرفدار ایالات متحده در آغاز سده ۲۱ در اراضی و سرزمین متعلق بکشور عزیز ما آغاز گردید. با تشکیل و تدویر "کنفرانس بن"، قدرت در قلمرو اراضی تحت تسلط امریکایی ها پا بعرصه وجود نهاد. "طالب" ها نیز ایجاد و پایه گذاری "امارت اسلامی افغانستان" را تقریباً بهمین شکل و بعین شمایل (با اندکی تفاوت)، بمثابة هدف عمده خویش محسوب نمودند. خوب بخاطر داریم کآنها پس از تصرف قدرت، بسر و سامان دادن نیروهای امنیتی در کشور مبادرت ورزیدند. بمنظور جلوگیری از شورش های احتمالی، خود مختاری منحصر بفرد فرماندهان میدانی مورد نیاز بوده و ضرورت آن بگونه جدی احساس می گردید. در اینجا پرسشی باین شرح مطرح می گردد کآیا می توان رژیم "طالب" ها را بشدت سرکوبگر خواند؟

قابل یاددهانی پنداشته می شود که تلاش بمنظور شورش مسلحانه در امتداد سال های ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ خورشیدی، در حالی که رهبران آن در خارج از محدوده کشور بودند، با زور سرکوب گردید. فعالیت های زیرزمینی و مخفی اما با توانایی های ضعیفی باقی مانده و تاجایی که می توان قضاوت نمود، "طالب" ها در این زمینه با اقدامات سختگیرانه ایی متوسل میگرددند. در دهه ۱۳۶۸ خورشیدی، چگونگی عملکردهای آنها از نقطه نظر نظم اجتماعی و بویژه اجرای مجازات، سبب برانگیختن سروصداهایی گردید. "طالب" ها همچنان بشدت بر رعایت و اجرای اصول و ضوابط شریعت تأکید ورزیده و از چگونگی اجرای کامل آن بگونه جدی نظارت بعمل می آورند. با وجود ضد و نقیض گویی هایی، قدرت حاکمیت کنونی "طالب" ها با برنامه ایدئولوژیک و دستگاه سرکوب خاص و منحصر بفردش، آرامش نسبی در کشور حکمفرما بوده، محل های عرضه محصولات خرده مالکان و خرده فروشان که قبیلن خالی بود، دوباره مملو می گردد. اقتصاد مردمی فعال گردیده، با وجود فقر و بیکاری گسترده در کشور، اما از ویرانی ها و درهم ریختن ها در شرایط و وضعیت کنونی در کشور خبری در میان نمی باشد. آنهایی که نه با اقتصاد ملی، بلکه از برکت موجودیت و حضور خارجی ها وارد عرصه و میدان گردیده بودند، بسادگی ناپدید شدند. اما نبایست این مسأله را از نظر دور نگهداشت که جریان زندگی صلح آمیز در کشور، تاکنون هم از بیرون تغذیه می گردد. چه، از طریق سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی، کمک ها و مساعدت های نقدی دالری بکشور سر از بر می گردد. آمار و ارقام دقیقی از چند و چون کمک های یادشده موجود نبوده اما حدس زده می شود که به ۱ - ۲ میلیارد دالردر سال تخمین گردد. بنظرمی رسد که چنین مبلغی بمنظور تقویت زیر ساخت های اجتماعی و تأمین و رفع تقاصاً های داخلی بسنده باشد،

اما خاطرنشان می‌گردد که در مقایسه با تزریق های اهدایی بکشور بویژه در امتداد زمانی حاکمیت قبلی در کشور، مقادیر کنونی کمک ها بسیار ناچیزی باشد.

با وجود اینهمه، معضلات و مشکلات در درازمدت و دورنمای های کشور همچنان متصور می‌باشد. اما این واقعیت را نمی‌توان از نظر دورنگهداشت که بذر کاشته شده مقاومت واقعی در قبال عملکردهای "طالب" ها در آینده ها به ثمر خواهد نشست. در اینمورد پرسشی باین شرح مطرح می‌گردد کآیا میان "طالب" ها و بخشی از جامعه افغانی، امکان درگیری و رویارویی موجود می‌باشد؟

همین اکنون، "طالب" ها در امر مبارزه در قبال "داعش"، تلفاتی را نیز متقبل شده اند. از نقطه نظر ساختار سیاسی، تا هنوز اما بسیاری از موارد بگونه کلی واضح و مشخص نگردیده است. ممکن یک دولت و حاکمیت غیرمنتخب وجود داشته باشد، اما انتخابات تنها و صرف یگانه مسیر مشروعیت پنداشته نمی‌شود. همه در این امر متفق الرأی اند که ابهاماتی در مورد توانایی های "طالب" ها در امر حفظ قدرت آنهم در درازمدت، موجود می‌باشد. بدون اما واگرهایی، نباید این عامل را از نظر دورنگهداشت که کشور ما همیشه و در کلیه شرایط و وضعیت، بمفهوم وسیع کلمه بر روابط اقتصادی خارجی وابسته بوده و اصلن، خودمختاری و آزادی اقتصادی برای شهروندان کشور در واقعیت امر، بیگانه پنداشته می‌شود.

در دوران حضور و موجودیت پررنگ نظامی ایالات متحده در کشور، تعامل اقتصادی خارجی با ویژگی های اغراق آمیزی همراه گردیده و درباره ظرفیت های مادی کشور و نقش آن در امور جهانی و منطقوی، افکار کاملن ناموجهی ارائه گردید. اما امریکایی ها اسطوره یک "ابر قدرت معدنی" و یک افغانستان ثروتمند را بویژه در مورد دگرگونی بنیادی در وضعیت مالی کشور در امتداد زمانی ده سال بوجود آوردند. این درک در جامعه افغانی و بویژه در محافل روشنفکری کشور شکل گرفته است که افغانستان قربانی مبارزات ژئوپولیتیکی قدرت های بزرگ شده و چنین می‌پندارند کآگر نمایش ها و صحنه سازی های ژئوپولیتیکی در قلمرو و اراضی تحت اداره شان از قوه به فعل مبدل نگردد، در چنین وضعیتی، ثروتمند تر شده و توسعه می‌یابند.

امریکایی ها سرزمین و اراضی کشور عزیز ما را ترک نموده و از میهن ما رخت سفر پر بستند، اما باورها مبتنی بر افسانه گویی های آنها در مورد چشم انداز و دورنمای توسعه اقتصادی و ایجاد و پایه گذاری برنامه های خارجی ها همچنان باقی ماند. "طالب" ها در امتداد پس از حصول مجدد قدرت در کشور، بویژه از نقطه نظر اعتقاد شان باین افسانه های امریکایی، هیچ تفاوتی با رهبران دولت پیشین طرفدار ایالات متحده بمشاهده نمی‌رسد.

چشم انداز ژئوپولیتیکی برخی از کشورها در حال تجربه تغییراتی می‌باشد. چنین پنداشته میشود که برخی از درگیری هایی که همه جهان و جهانیان را در وضعیت پلاتکلیفی قرار می‌دهد با درگیری های از نوع دیگر جاگزین می‌گردند. بگمان اغلب که با نابودی جهان تک قطبی، فروریزی ساختار ژئوپولیتیکی منسوخ نیز اتفاق افتاد. در عین زمان، سیستم مدرن روابط بین الملل در شرف بهینه سازی می‌باشد. در چنین متنی، احتمال پدید آمدن کانون های جدید جدال و حتا ختم انجماد درگیری های قبلی و خفته نیز موجود می‌باشد.

"طالب" ها برای مدت زمان طولانی در مرکز توجه جامعه جهانی باقی نماندند، بویژه پس از درگیری های مسلحانه در شرق اروپا، چگونگی سیر حوادث در کشور ما را که اکنون با حاکمیت خشن و ناروای بنیادگرای مذهبی که بر بنیاد دساتیر و موازین "شریعت" اداره و رهبری می‌گردد، مواجه می‌باشند.

بدیهی است که اکنون اصل دولت سازی در کشور پر بنیاد اصل دین محوری انجام شده و از قوه بفعل مبدل گردد. در وضعیت اینچنینی، منطق و استراتیژی توسعه جامعه افغانی تا حدود زیادی به چگونگی تفسیر "طالب" ها از آموزه ها و موازین دینی بستگی دارد. تاکنون هم اصل تفسیر "طالب" ها از دساتیر دینی و مذهبی، بویژه در مورد آموزش و بگونه کلی درباره حقوق باتوان با تفسیر و نوع نگاه متکلمان در کشورهای مسلمان خاورمیانه متفاوت می‌باشد.

یکشنبه ۱۰ ماه جدی سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۳۱ ماه دسامبر سال ۲۰۲۳ ترسایبی